

دنیا، مرگ و برزخ، در آئینهٔ نهج البلاغه

فاطمه احمدی

www.ketab.ir

احمدی، فاطمه.

نهج البلاغه. فارسی. برگزیده. شرح.

دنیا، مرگ وبرزخ در آینه نهج البلاغه/ فاطمه احمدی.

تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۲.

شابک: ۳-۷۴۰-۳۳۷-۹۶۴-۹۷۸

کتابنامه.

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - نقد و تفسیر.

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - دنیا.

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - برزخ.

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - مرگ.

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. برگزیده. شرح.

۱۳۹۲ الف / ۰۴۲۲ / ۳۸ BP

۹۵۵ / ۹۵۱۵

۳۱۶۹۷۷۲

دنیا، مرگ و برزخ

در آینه نهج البلاغه

فاطمه احمدی

طرح جلد اثر تر کس نیکویی

کتاب نیستان

چاپ اول ۱۳۹۲ ۱۲۰۰ نسخه

شابک: ۳-۷۴۰-۳۳۷-۹۶۴-۹۷۸

چاپ و صحافی: کانونچاپ

نیستان: ۵-۲۲۶۱۲۴۴۳

ارتباط با شما ۳۰۰۸۵۵۲

۱۶۵۰۰ تومان

www.neyestanbook.com

فهرست عناوین

عنوان	صفحه
مقدمه	۱۷
فصل اول: تفسیر دنیا در کلام علی علیه السلام	
معنای دنیا و اقسام آن	۲۵
۱. دنیای نکوهیده	۲۶
۲. دنیای ستوده	۳۱
تقابل دنیا و آخرت	۳۴
سنت امتحان در دنیا	۳۵
چرایی یا فلسفه امتحان	۳۸
۱. ارزیابی بندگان	۳۹
۲. ارزیابی اعمال بندگان	۳۹
۳. توبه و تطهیر از گناهان	۴۰
۴. زدودن تکبر و خودبزرگ بینی	۴۰

- تشبيه و تجسم دنیا در کلام امير بيان عليه السلام ۴۱
۱. «الدَّارُ»؛ خانه ۴۲
۲. «جَيْفَةً»؛ لاشه‌ی مردار ۴۴
۳. «عَاسِنَةً»؛ انسان عبوس ۴۴
۴. «صَّيَادٌ»؛ صیاد تیرانداز ۴۴
۵. «الْمُتَّصِدَةُ الْعَبْرَنُ»؛ زن فریبا و بی‌وفا ۴۵
۶. «الْجَائِغَةُ»؛ اسب سرکش ۴۵
۷. «الْحَيَّةُ»؛ مار سمی ۴۵
۸. «ظِلُّ زَائِلٌ»؛ سایه‌ی در حال زوال ۴۵
۹. «ضَوْءٌ أَقْلٌ»؛ نور در حال زوال ۴۶
۱۰. «مِضْمَارٌ»؛ میدان مسابقه ۴۶
۱۱. «صُبَابَةٌ وَ سَمَلَةٌ»؛ ته‌مانده‌ی آب ۴۶
۱۲. «الْمُلاظَمَةُ»؛ باقی‌مانده‌ی غذا لای دندان ۴۷
۱۳. «غَفْطَةٌ عَنَرٌ»؛ آب بینی بزغاله ۴۷
۱۴. «فَضَمٌ جَرَادَةٌ»؛ برگ جویده‌ی ملخ ۴۷
۱۵. «عِرَاقٍ خَنْزِيرٍ فِي يَدٍ مَجْدُومٍ»؛ استخوان خوک در دست چاه‌نمی ۴۷
- برخورد انسان‌های کامل با دنیا، در نهج البلاغه ۴۸
۱. پیامبر اکرم ﷺ ۴۸
۲. امیر مؤمنان عليه السلام ۴۹
۳. حضرت موسی عليه السلام ۵۰
۴. حضرت داوود عليه السلام ۵۱
۵. حضرت عیسی عليه السلام ۵۱

۶. پارسایان و عارفان ۵۲

فصل دوم: مرگ، سرفصل بازگشت به سوی خدا

سیر انسان به سوی کمال مطلق ۵۷

حقیقت مرگ ۶۰

سنت‌های حاکم بر مرگ ۶۳

۱. کلیت ۶۳

۲. حتمیت ۶۴

۳. پنهان بودن از نظر زمان و مکان ۶۶

۴. اصالت (اصل بودن مرگ نسبت به حیات دنیا) ۶۷

۵. نزدیک بودن ۶۸

۶. ناگهانی بودن ۷۰

عناوین و تعبیر منحصر به فرد «مرگ» در نهج البلاغه ۷۲

یاد مرگ و مردگان در کلام امیر(ع) ۷۵

۱. یاد مرگ ۷۶

الف) سخن با اهل گورستان ۸۰

ب) نامه به فرزند ۸۱

- ویژگی‌های هفت گانه‌ی پدر ۸۲

- ویژگی‌های ۱۴ گانه‌ی فرزند ۸۳

۲. یاد مردگان ۸۵

الف) بازگویی مرگ عزیزان ۸۵

- شهادت رسول‌الله(ص) ۸۵

- شهادت حضرت صدیقه‌ی طاهره(ع) ۸۷

- تفاوت مرگ معصوم (علیه السلام) با انسان های دیگر..... ۸۸
- ب) وفات حضرت سلیمان (علیه السلام)..... ۸۹
- ج) یاد یاران شهید..... ۹۰
- مالک اشتر..... ۹۰
- محمد بن ابی بکر..... ۹۱
- عمار، ابنُ الثَّیَّهَان، ذُو الشَّهَادَتَیْنِ و..... ۹۲
۳. پیش بینی مرگ آیندگان..... ۹۳
- الف) مرگ خواجه..... ۹۳
- ب) کشتار مردم به دست مروان بن..... ۹۴
- ج) غارت و کشتار مردم به دست حجاج بن یوسف ثقفی..... ۹۴
- د) قتل عام مردم به دست بنی امیه، به بهانه ی خون خواهی عثمان..... ۹۵
- هـ) کشتار مردم در جنگ های قبل از ظهور حضرت ولی عصر (عج)..... ۹۵
- آثار یاد مرگ در وارستگی انسان..... ۹۶
۱. محاسبه ی نفس و اجرای عدالت..... ۱۰۰
۲. پرهیز از آرزوهای دراز..... ۱۰۲
۳. پرهیز از لهو و لعب..... ۱۰۴
۴. خشوع دل و حال انکسار..... ۱۰۵
۵. شتاب به سوی کردار نیکو..... ۱۰۶
۶. خوشنودی و قناعت به اندک دنیا..... ۱۰۷
۷. آمادگی برای منازل پس از مرگ..... ۱۰۹
- هجوم حوادث در آستانه ی مرگ..... ۱۱۰
۱. درهم شکستن قوا..... ۱۱۰
۲. بی نتیجه بودن درمان ها..... ۱۱۲

۳. ناامیدی پزشکان و اطرافیان بیمار ۱۱۳
- تأکید بر وصیت پیش از فرا رسیدن آثار مرگ ۱۱۴
- پذیرش توبه پیش از مرگ ۱۱۷
- گردنه‌های دشوار احتضار ۱۱۸
۱. سگرات مرگ و موجبات آسانی آن ۱۱۹
- الف) حالات جسمی انسان در حال احتضار ۱۲۰
- ب) حالات روحی انسان در حال احتضار ۱۲۳
- ج) حالات اطرافیان محضر ۱۲۵
- ✓ موجبات آسان شدن سگرات مرگ ۱۲۷
- محبت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۲۷
- خواندن سوره‌ی توحید، پس از نماز ۱۲۸
- روزه‌های ماه رجب ۱۲۹
- نماز شب هفتم ماه مبارک رمضان ۱۲۹
- تلاوت سوره‌ی «تکائر» در هنگام خواب ۱۳۰
- صدقه دادن آشکار ۱۳۰
۲. عدیله‌ی هنگام مرگ ۱۳۱
- مقایسه‌ی مرگ مؤمن و کافر ۱۳۳
۱. سرور مؤمنان هنگام جان دادن ۱۳۵
- الف) حضور فرشتگان ۱۳۶
- ب) حضور امامان معصوم (علیهم السلام) ۱۳۹
۲. اندوه تبهکاران هنگام قبض روح ۱۴۲
- توصیف ساعات اولیه‌ی پس از مرگ ۱۴۴
۱. قبل از خاکسپاری ۱۴۵

۲. مراحل خاکسپاری ۱۴۶
- الف) تکفین ۱۴۶
- ب) تشیع ۱۴۷
- ج) تدفین ۱۴۸
- مستحبات تدفین و پس از آن ۱۵۰
- عوامل ترس از مرگ ۱۵۳
۱. جهل (نادانی نسبت به مرگ) ۱۵۴
۲. دلبستگی به دنیا ۱۵۶
۳. ترس از گناهان ۱۵۸
- آرزوی مذموم و ممدوح مرگ ۱۶۰
- اشتیاق علی علیه السلام نسبت به مرگ ۱۶۲
- شهادت، برترین مرگ ۱۶۶

فصل سوّم: عالم قبر یا برزخ

- برزخ شروع بیداری ۱۷۳
- بدن برزخی یا قالب مثالی ۱۷۹
- زمان و تحوّل در برزخ ۱۸۳
- واژه‌ی برزخ و مترادف‌های آن در نهج البلاغه ۱۸۶
- فشار قبر و عذاب‌های برزخی ۱۹۰
- موجبات تشدید فشارها و عذاب‌های برزخی ۱۹۷
۱. تندخویی و بدخلقی با خانواده ۱۹۷

۲. سخن چینی ۱۹۸
۳. غیبت، عدم احتراز از بول، و دوری مرد از خانواده‌ی خویش ۱۹۹
۴. ضایع ساختن نعمت‌ها ۲۰۰
- موجبات تخفیف یا حذف فشارها و عذاب‌ها ۲۰۰
۱. مرگ در فاصله‌ی پنج‌شنبه تا ظهر جمعه ۲۰۱
۲. خوب رکوع نمودن ۲۰۲
۳. نماز شب و تلاوت قرآن ۲۰۳
۴. صبر ۲۰۴
۵. حامد حقیقی بودن ۲۰۵
۶. طاعت و بندگی ۲۰۶
۷. یاری نمودن مؤمنان و ستم‌دیدگان ۲۰۷
۸. حجّ و زیارت امام حسین (ع) ۲۰۸
۹. تلاوت قرآن ۲۰۹
- الف) تلاوت سوره‌ی ملک و حفظ نمودن آن ۲۰۹
- ب) تلاوت سوره‌ی تکوین هنگام خواب ۲۱۰
- ج) تلاوت آیه‌ی الکرسی ۲۱۰
- د) تلاوت سوره‌ی نساء ۲۱۱
- هـ) تلاوت سوره‌ی یس ۲۱۱
- و) تلاوت سوره‌ی زخرف ۲۱۲
- ز) تلاوت سوره‌ی قلم ۲۱۲
۱۰. دعای جوشن کبیر ۲۱۲
۱۱. روزه در ماه رجب ۲۱۳

۱۲. نمازهای مستحبی در ماه‌های مبارک رجب، شعبان، رمضان، و روز جمعه ۲۱۴
- سؤال قبر..... ۲۱۵
- مضمون سؤالات در قبر..... ۲۱۸
- عوامل آسان شدن سؤال قبر..... ۲۲۲
۱. اعتقاد به ولایت ۲۲۳
۲. زیارت امام حسین علیه السلام ۲۲۴
۳. صدقه ۲۲۵
۴. شهادت ۲۲۵
۵. نماز و روزه در ماه شعبان ۲۲۶
۶. احیای شب ۲۳ ماه مبارک رمضان ۲۲۷
۷. تدفین در تربت پاک نجف ۲۲۷
۸. تلقین ۲۲۸
- تکلیف مستضعفین فکری..... ۲۲۸
- پرسش برزخیان از ارواح تازه وارد..... ۲۲۹
- بهشت و دوزخ برزخی..... ۲۳۱
- تجسم اعمال در قبر..... ۲۳۲
- رابطه‌ی میان روح و بدن در قبر..... ۲۳۹
۱. زیارت اهل قبور ۲۴۰
۲. ارتباط مردگان با زندگان در دنیا ۲۴۱
- ترسیم امیرمؤمنان علیه السلام از حالات دنیامداران در برزخ..... ۲۴۳

۱. همنشینی با تنها همنشین (عمل) ۲۴۴
۲. در جمع، ولی غریب و تنها ۲۴۵
- رفع شبهه‌ی دیدار برزخیان با یکدیگر ۲۴۸
۳. تسلیم چیرگی‌های خزندگان و آفات زمینی ۲۵۰
۴. امید و هرگونه تغییر ۲۵۱
۵. خوراک زمین ۲۵۳
۶. شهادتی سخت و غیرقابل وصف ۲۵۵
۷. سخن گفتن بدون زبان (به زبان حال) ۲۵۶
۸. فراموش شد، و بایمال آیندگان ۲۵۸
۹. خاموش و بی دفاع، در شکنای تاریک گور ۲۶۰
۱۰. بی تفاوت، نسبت به همه چیز دنیا ۲۶۲
- آرزوی برزخیان ۲۶۳
- فهرست آیات ۲۶۷
- فهرست منابع ۲۷۴

www.ketab.ir

مقدمه

﴿إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ﴾^(۱)

ما همه مملوک او هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.

خداوند سبحان در کتاب حکیم، دنیا را راه، و آخرت را خانه‌ی پایانی و «دار قرار» معرفی می‌فرماید، و آدمی را برای اینکه به سلامت راه را طی کند و قرار خویش را باز یابد، به پیروی از انبیای ابراهیمی علیهم‌السلام فرا می‌خواند؛ آنان که با خلوص و ویژه‌ای خالص گشته، و همواره به یاد آن خانه‌اند.

﴿وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيْمَ وَ اسْحٰقَ وَ يَعْقُوْبَ اُولٰٓئِیْهِ الْاَبْصَارُۚۚۚ إِنَّا اَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرٰی الدَّارِ؛ وَ اِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفٰیْنَ الْاَخْيَارِ﴾^(۲)

و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دست‌های نیرومند و چشم‌های بینا، ما آن‌ها را با خلوص و ویژه‌ای خالص کردیم، و آن یادآوری برای آخرت بود، و آنان نزد ما از نیکانند.

در جهان بینی قرآن کریم، معاد همان رجوع به مبدأ است؛ بنابراین، یاد معاد، یاد خدا

۱. البقرة (۲) / ۱۵۶.

۲. ص (۳۸) / ۴۷-۴۵.

و یاد خدا یاد معاد است؛ که هر لحظه انسان به سوی او می‌رود.

مسأله‌ی معاد و بازگشت انسان، به عنوان جزئی از یک جریان کلی - که بازگشت همه‌ی وجود و همه‌ی آفرینش به سوی خداست - در قرآن و روایات مطرح است. این بازگشت بر اساس عشق هر موجود به کمال بالاتر، و در نهایت، نسبت به کمال مطلق صورت می‌گیرد.

اهتمام عمده‌ی انبیا پس از مسأله‌ی توحید، همواره به امر معاد و زندگی در عالم آخرت بوده است. و در این میان، نقش مرگ و حقیقت انتقال از این جهان، و عالم برزخ و شاخصه‌های آن، و نحوه‌ی زندگی و زندگان در آن سرا، اولین گزینه‌ای است که همواره فرین اندیشه‌ی آدمی بوده و هست؛ از این‌رو، تأمل درباره‌ی چنین حقیقتی از نظر عقل و نقل، از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار است.

رسیدن به معارف عینی و دست‌نیافتنی ناب پیرامون مرگ و برزخ، همچون دیگر معارف، تنها از طریق صحیفه‌ی وحی و کُفّ مرجمان حقیقی وحی ممکن است؛ زیرا، شناخت آنان شهودی و عینی است و کمترین خطایی در آن راه ندارد. همانطور که بینش توحیدی درجاتی دارد، و معارف توحیدی اهل بیت (علیهم‌السلام) در بالاترین درجه است، شناخت نسبت به معارف غیبی نیز درجاتی دارد، و آن بزرگواران در برترین درجه‌ی این شناخت قرار دارند.

در مجموعه‌ی بیانات معصومین (علیهم‌السلام) درباره‌ی مرگ و برزخ و قیامت، کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج البلاغه، درخششی تابناک دارد؛ چنانکه با دل سپردن به کلام نورانی آن حضرت، از خوف، موی بر تن راست، و اشک از دیدگان جاری

می‌گردد و انسان را به اندیشه‌ای عمیق واداشته، او را ناگزیر از فراهم آوردن زادراهی متناسب با این سفر خطیر می‌سازد.

آن حضرت هر شب پس از نماز عشا هنگامی که مردم به‌سوی خوابگاه خود می‌رفتند، با صدای بلند، آنگونه که تمام اهل مسجد و همسایگان بشنوند، می‌فرمودند:

«تَهَيُّوْا رَحِمَكُمُ اللّٰهُ! فَقَدْ تُودِي فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ، وَ أَقْلُوا الْمَرْجَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَ انْقَلِبُوا بِصَالِحٍ مَا يَحْضُرُكُمْ مِنَ الرَّادِّ»؛^(۱)

خدا! شما را رحمت کند، بار سفر ببندید که ندای کوچ در میانتان بلند است (سفر نزدیک است)؛ علاقه به دنیا را کم کنید. و با تهیه‌ی توشه‌ی اعمال نیک، به سوی آخرت باز گردید.

امیر بیان (علیه السلام) در خطبه‌ی غراء، پس از تشریح جزئیات مرگ و احتضار، در جمله‌ای موجز و مؤثر، خردمندان و دیرکان را به تأمل فرا خوانده، با سؤالی عبرت‌آموز می‌فرماید:

«أَيْنَ تُصَرِّفُونَ؟ أَمْ بِمَاذَا تَغْتَرَوْنَ؟»؛^(۲)

به کجا می‌روید؟ یا به چه چیز قریفته می‌شوید؟

سپس با توجه دادن به این نکته که بهره‌ی هر یک از شما از زمین، فقط به اندازه‌ی طول و عرض قامت شما است، همگان را به بهره‌گیری از دوران عمر، و جدی گرفتن مسأله مرگ هشدار داده، می‌فرماید:

«الْآنَ عِبَادَ اللّٰهِ! وَالْخِنَاقُ مُهْمَلٌ، وَالرُّوحُ مُرْسَلٌ فِي قَيْنَةِ الْإِرْسَادِ، وَ رَاحَةُ الْأَجْسَادِ... قَبْلَ قُدُومِ الْغَائِبِ الْمُنْتَظَرِ»؛^(۳)

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۰۴.

۲. همان، خطبه‌ی ۸۳.

۳. همان.

هم اکنون ای بندگان خدا! که ریسمان‌های مرگ برگردنتان نیفتاده، و روح شما برای به دست آوردن کمالات آزاد است، و بدن‌ها راحت است... پیش از آمدن مرگی که در انتظار شما است (از فرصت‌ها بهره بگیرید).

همچون پدری مهربان و معلمی دلسوز، فریفتگان را از دنیای فریبنده که ظاهرش شیرین و با طراوت و پوشیده به شهوات است، برحذر می‌دارند و با اشاره به اینکه هیچ کس از دنیا شادمانی ندیده، مگر اینکه در پس آن شادی، با اشک و آه روبرو گردیده خطاب به چشم بستگان از عالم بقا، و چشم دوختگان به عالم فنا، که در گردابی از غفلت و فراموشی غوطه‌ورند، می‌فرمایند:

«أَلَسْتُمْ فِي مَسَاكِينٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَطْوَلُ أَعْمَارًا، وَ أَبْقَى أَثَارًا، وَ أَبْعَدَ آمَلًا؟... ثُمَّ ظَعَنُوا عَنْهَا بِغَيْرِ زَادٍ مُتَلَبٍّ، وَ لَا ظَهَرَ قَاطِعٌ»^(۱)

مگر شما در جایگاه پیشینیان خود قرار نگرفته‌اید، که عمرشان از شما طولانی‌تر، و آثارشان بادوام‌تر، و آرزوهایشان درازتر بود؟ پس، بدون توشه‌ای که آنان را به منزلگاه برساند، و بدون مرکبی که راه را به سرعت بپیمایند، از آن کوچ کردند!!

و با سوگندی مؤکد، مرگ را حقیقتی جدی و نه شوخی، معرفی فرمودند، که بانگش را به گوش انسان‌ها می‌رساند، و همگان را به سرعت به سوی خط پایان می‌راند؛ از این‌رو نباید لحظه‌ای آن را دور پنداشت، و از آمدنش غافل بود:

«فَأَنَّهُ وَاللَّهِ الْجِدُّ لَا اللَّعِبُ، وَ الْحَقُّ لَا الْكَذِبُ، وَ مَا هُوَ إِلَّا الْمَرْتُ أَشْمَعُ دَاعِيهِ، وَ أَعْجَلَ حَادِيهِ»^(۲)

به خدا سوگند، یک حقیقت جدی است، نه شوخی؛ واقعیت است، نه دروغ. و آن چیزی جز مرگ نیست، که بانگ خود را به گوش همه‌ی زندگان رسانید، و به سرعت همه را به پیش راند.

۱. همان، خطبه‌ی ۱۱۱.

۲. همان، خطبه‌ی ۱۳۲.

سرانجام با تذکر این مطلب که پس از مرگ، انسان می ماند و زادراهی که خود به دست خویش در دوران عمرش فراهم نموده، او را به کوشش و آمادگی برای این سفر ناگزیر فراخوانده، فرمان می دهند:

«فَعَلَّكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ، وَالتَّاهِبِ وَالِاسْتِعْدَادِ، وَالتَّزُودِ فِي مَنْزِلِ الرَّادِ»؛^(۱)
بر شما باد جدیت و کوشش، و فراهم آوردن ساز و برگ و آمادگی، و توشه برگرفتن
در جایگاه توشه (دنیا).

اینچنین است که اگر کسی باور قلبی نسبت به کلام وحی و عترت پیدا کند، و یاد قیامت و «ذکری الدار» در جان او نشسته باشد، به علم حقیقی خواهد رسید، و جهنم و جهنمیان را در همین دنیا خواهد دید:

«كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ»؛^(۲)
چنان نیست که شما خیال می کنید، اگر شما علم الیقین (به آخرت) داشتید (افزون طلبی
شما را از خدا غافل نمی کرد). قطعاً شما جهنم را می دیدید.

«اولیای الهی هم اکنون از عذاب جهنم هراس دارند، و هراس کنونی سبب می شود که در قیامت، شعله های آتش را نبینند و حتی صدای زفیر و شهیق جهنم را نشنوند.»^(۳)

«لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ»؛^(۴)
آنها صدای آتش دوزخ را نمی شنوند و در آنچه دلشان بخواهد، جاودانه مشغول هستند.

۱. همان، خطبه ی ۲۳۰.

۲. التکاثر (۱۰۲)/ ۵-۶.

۳. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۴، ص ۳۰.

۴. الانبیاء (۲۱)/ ۱۰۲.

همچنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

«أَكْثَرُ أَسْمَاعِهِمْ أَنْ تَسْمَعَ حَبِيسَ نَارٍ أَدْبَأُ»^(۱)

خدای سبحان گوش آنان را گرامی تر از آن داشت، که حتی صدای جهنم را بشنوند.

حضرتش در جای جای نهج البلاغه، همچون تصویرگری چیره دست، ابعاد مختلف دنیا، مرگ و برزخ را آنگونه ترسیم می فرمایند، که اوصاف پیدا و پنهان آن‌ها را بر روی ده‌پیشان بی‌قرار عیان ساخته، و نقشه‌ای جامع از حقیقت هریک ارائه می فرمایند.

نگارنده بسیار خرسند و منت پذیر است، که نواخت حضرت مولا، او را چنان شیفته و دلباخته‌ی کلام خویش نموده، که با شنیدن نام مبارک نهج البلاغه سر از پا نمی‌شناسد، و با زانو زدن در محضر کلام نورانی آن، بی‌خوشتن می‌گردد. و بسیار مشعوف است از اینکه، این بار حضرتش با موضوع «دنیا، مرگ و برزخ»، راهی دیگر فرارویش گشوده و چراغی دیگر افروخته تا این موضوع، پس از چندین بار تدریس و واگویی، تقدیم تشنه‌کامان معارف علوی گردد.

همچون همیشه معترفم که این تلاش، ارمغان موری است به پیشگاه سلیمان ولایت؛ و فقط عرض ادب و ارادت از سر عشق ورزی به صاحب مولا یمان علی علیه السلام است. امید که به پیشگاه قدسی حضرتش مقبول افتد.

«و من الله التوفیق»